

بررسی ظرفیت ادعیه در استنباط‌های عرفانی (بر اساس «تحلیل محتوا»ی تطبیقی جامع‌السعادات و سرالاسراء)

مصطفی همدانی*

چکیده

این نوشتار به «تحلیل محتوا»ی کتاب «سرالاسراء فی شرح حدیث المعراج» تألیف مرحوم آیت‌الله سعادت‌پور و کتاب «جامع‌السعادات» تألیف علامه نراقی، از نظر میزان استفاده هریک از آن‌ها از ادعیه در تحلیل‌های عرفانی و اخلاقی اختصاص دارد تا در مقایسه‌ای طولی و عرضی، ضمن معرفی عملی کارکردهای تحلیل محتوا در تحقیقات حوزه متون عرفان اسلامی، به ارزیابی نقش ادعیه در استنباط آموزه‌های عرفانی در مقایسه با استنباط آموزه‌های اخلاقی در دو کتاب مذکور بپردازد.

*- کارشناس ارشد رشته فقه، فلسفه و اخلاق حوزه علمیه قم، پژوهشگر حوزه علمیه قم.



چارچوب نظری این تحقیق، نظریات «اصول استنباط» و «درایة الحدیث» درباره ارزش استنباطی ادعیه است و روش تحقیق در این نوشتار، تلفیقی از تحلیل محتوا و روش کتابخانه‌ای است. نوع تحقیق، توصیفی تحلیلی است که در تجزیه و تحلیل، از روش کمی و تطبیقی استفاده می‌کند.

تحلیل محتوای این دو متن، از استفاده بیشینه هر دو منبع از ادعیه در استنباط‌های عرفانی نسبت به برداشت‌های اخلاقی حکایت دارد. همچنین این تحلیل نشان می‌دهد که سرالاسراء نسبت به جامع‌السعادات، در گستره بسیار وسیع‌تری از منابع ادعیه در این استنباط‌ها استفاده کرده و موفق شده است افق نوی منبع بودن ادعیه را برای عرفان ماثور، در رفتار پژوهشی خود به خوبی ترسیم کند.

بنابراین، براساس این مطالعه می‌توان گفت از نظر این دو عرفان‌پژوه و اخلاق‌شناس، آموزه‌های مندرج در ادعیه، بیشتر آموزه‌های عرفانی را تشکیل می‌دهند تا اخلاقی. مشخص کردن دعاهایی که در استنباط‌های عرفانی بیشتر استفاده می‌شوند نیز از دیگر دستاوردهای این تحقیق است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

واژه‌های کلیدی

سرالاسراء، جامع‌السعادات، دعا، عرفان، استنباط عرفانی.

۱. مقدمه (معرفی مسئله، ابعاد و اهمیت آن)

عرفان نظری عبارت است از دانشی که درباره وجود مطلق (حق تعالی) گفت‌وگو می‌کند (ابن‌ترکه، ۱۳۸۱: ۱۸؛ امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۸، ۴۵۱) و عرفان عملی عبارت است از برنامه‌های «نظری» که براساس آن، سیر باطنی

انسان در درک قلبی مقصد عرفان نظری، حاصل می‌شود. این مقصد همانا معرفت خدای متعال و حضور فیض او در همه هستی است. (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۸، ۴۵۳؛ آشتیانی، ۱۳۷۰: ۳۷) همچنین علم اخلاق عبارت است از: علم به آنکه نفس انسانی چگونه خُلق اکتساب تواند کرد که جملگی احوال و افعال که با اراده از او صادر شود، جمیل و محمود بود. (طوسی، بی تا: ۱۴) و برخی آن را به نظری و عملی تقسیم کرده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۱۳؛ مهدوی کنی، ۱۳۷۶: ۱۵)

اخلاق و عرفان را می‌توان با رویکرد عقلی یا نقلی یا تلفیقی مطالعه کرد. آنچه در این تحقیق مدنظر است، حرکت در متن کتاب و سنت براساس استنباط روش مند و تفقه ساخت مند به سوی کشف این آموزه‌ها است. در همین راستا، ادعیه از مفاخر شیعه و از منابع مهم در استنباط آموزه‌های ناب عرفان و اخلاق مأثور هستند که به تعبیر برخی بزرگان، از همه متون عرفانی دل‌انگیزترند؛ زیرا به سوی مقصود راهبرند، نه راهنما و دست انسان حق جو را می‌گیرند و به سوی او می‌برند؛ گرچه این بزرگان، افسوس و صدافسوس می‌خورند که چرا ما از آن‌ها فرسنگ‌ها دور هستیم و مهجور. (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۸، ۴۵۳)

علامه محمد مهدی نراقی رحمته‌الله‌علیه، فقیه اخلاقی و فیلسوف عارف عصر قاجار است که در آستان قرآن و حدیث رحل اقامت افکنده و تالیف اخلاقی ماندگار «جامع‌السعادات» را از دریای قرآن و عترت صید کرده است؛ کتابی بس ارجمند که از نظر بزرگانی چون علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه بهترین کتاب در اخلاق اسلامی در متوسطات (متوسط در حجم) است. (تهرانی، ۱۴۱۷: ۸۶)

استاد عرفان و اخلاق در عصر حاضر، مرحوم حجت‌الحق آیت‌الله سعادت پرور رحمته‌الله‌علیه نیز از دانشورانی است که توفیق یافته خود را هر اندازه

که بتواند به متن کتاب و سنت نزدیک تر کند و عرفان و اخلاق «ناب» را در تحلیل بی‌واسطه گزاره‌های قرآن و حدیث به دست آورد. تحلیلی که زبان کتاب و سنت را به اصطلاحی دیگر ترجمه نکرده و معنی را در ظرفی جز کتاب و سنت عرضه نکرده است. سرالاسراء، تألیف ماندگار ایشان در حوزه عرفان و اخلاق مأثور است که با فشردگی فراوان به این عرصه علمی قدم نهاده است. این تألیف گران سنگ به شرح قرآنی‌روایی «حدیث معراج» با رهیافتی فقیهانه (فقه = فهم روشمند کتاب و سنت) در بازتولید تفقه عرفانی و اخلاقی بر اساس مبانی منطقی استنباط همت گماشته است و در این راستا، متون ادعیه را به عنوان یکی از مصادیق «سنت» به صورت دقیق بررسی کرده است. گفتنی است ایشان در تألیفی مستقل به نام «نور هدایت» به شرح دعاهای کتاب «اقبال الاعمال» که از کتب تخصصی در حوزه دعا و زیارت است، همت گماشته‌اند و بر این اساس، «نور هدایت» نیز پشتوانه‌ای غنی برای «سرالاسراء» فراهم کرده است. ایشان همچنین در تألیفات عرفانی دیگر خود چون راز دل (شرح گلشن راز) و جمال آفتاب (شرح دیوان حافظ در ده مجلد) به شکل گسترده‌ای از ادعیه استفاده کرده‌اند.

نوشتر حاضر بنا دارد با روش تحقیق شایسته‌ای بتواند به میزان بهره‌مندی این دو تألیف ارجمند از ادعیه پی برده و به تحلیل تطبیقی این دو کتاب بپردازد. در این مقایسه، در پی کشف میزان استفاده مؤلفان آن‌ها از ادعیه در استنباط‌های عرفانی در مقایسه با استنباط‌های اخلاقی هستیم تا ظرفیت ادعیه را از نظر منبع بودن برای عرفان اسلامی شناسایی کنیم.

۲. چارچوب نظری

همه تحلیل‌های ما مبتنی بر نظریه هستند و از نظریه‌ها باردارند و در یرتوی نظریه‌ها است که چنین می‌بینیم. (ساعی، ۱۳۸۷: ۶۰) نظریه در علوم انسانی، در تعریف، منظم کردن، توضیح و پیش‌گویی روابط بین پدیده‌ها است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۵) و در واقع، به عنوان چراغی برای راهنمایی در تحقیق (ساعی، ۱۳۸۷: ۶۱) و شالوده‌ای برای بررسی فرضیه و پاسخ دادن به سوال تحقیق است. (کامپنهود و کیوی، ۱۳۸۹: ۹۴) اساساً تحقیق بدون نظریه نمی‌تواند مطالعه علمی باشد؛ بلکه تنها جمع‌آوری داده‌های خام است. (ساعی، ۱۳۸۷: ۶۶) این کارکرد از نظریه، به عنوان منطق، در هر علمی وجود دارد؛ گرچه ممکن است در علوم مختلف خصوصاً تحقیقات حوزه دین، دارای برخی الزامات خاص باشد. تحقیق حاضر با کمک این منطق، رفتار پژوهشی دو اخلاق‌پژوه را با مبانی نظری «استنباط» که خود کلان‌نظریه است، تطبیق می‌دهد.

چارچوب نظری این تحقیق، عبارت است از کلان‌نظریه «استنباط روشمند» که گفتمان عام تحقیق است. این کلان‌نظریه براساس نظریه علم «اصول» و دانش «درایة‌الحدیث» در بررسی نقش «سنت» در استنباط آموزه‌های دینی از منابع ماثور شکل گرفته و دارای دو محور زیر است که هر یک به نوبه خود، خرده‌گفتمانی در این علوم هستند:

منابع معتبر در استنباط آموزه‌های اسلامی عبارت‌اند از: کتاب، سنت، عقل و اجماع. (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۱، ۹ - ۱۰؛ قمی، ۱۳۷۸: ۹)

ادعیه بخشی از «سنت» در استنباط روش‌مند است؛ زیرا سنت طبق تعریف علمای اصول و درایه، عبارت است از قول معصوم یا فعل یا تقریر وی. (قمی،

۱۳۷۸: ۴۰۹؛ شیخ انصاری، بی تا، ۲۳۸/۱؛ خراسانی، ۱۴۰۹: ۲۹۳؛ خوبی، ۱۴۱۷: ۲، ۱۴۷؛ شیخ بهایی، ۱۳۷۸: ۴؛ سبحانی، ۱۴۲۶: ۱۹) عموم «قول» در این تعریف، ادعیه صادره از معصومان را هم شامل است، گرچه در منابع پیش گفته خبری از تصریح به این مصداق نیست و گویا فقدان احکام فقهی در این مصادیق سبب این نبود تصریح است.

۳. مبانی روش شناختی

این تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی است که در آن علاوه بر تصویر آنچه هست، به دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می پردازد. این نوع تحقیق، جزئیات مسئله تحقیق را با کلیاتی که در مباحث نظری تحقیق به عنوان چارچوب استدلال خود تدوین می کند، ربط می دهد و نتیجه گیری می کند (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۶۰ - ۶۱)، با این پیش فرض که تحقیق توصیفی نیز دارای متغیر است. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۴۱)، متغیر این تحقیق عبارت است از «مقایسه میزان استفاده دو کتاب جامع السعادت و سرالاسراء از ادعیه در استنباط های عرفانی و مقایسه آن ها با یکدیگر در این استنباط ها و نیز در استنباط های اخلاقی».

این تحقیق از دو روش برای رسیدن به پاسخ سوال خود بهره می برد:

روش کتابخانه ای (Documentary research)

روش تحلیل محتوا (Content analysis)

روش کتابخانه ای روشی است که از آغاز تا انتها بر مطالعه کتب و اسناد و نرم افزارهای حاوی متون علمی مبتنی است و با ابزارهایی مانند فیش و جدول و فرم و ... به کمک استدلال عقلی، به بررسی متون برای دست یافتن به پاسخ

سوال می‌پردازد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۶۴ - ۱۷۲) این روش در تولید چارچوب نظری لازم و نیز استخراج منابع جامع‌السعادات به‌کار می‌رود.

تحلیل محتوای کمی، آزمون نظام‌مند (سیستماتیک) و تکرارپذیر نمادهای ارتباطی است که طی آن، ارزش‌های عددی براساس قوانین معتبر اندازه‌گیری، به متن نسبت داده می‌شود و سپس با استفاده از روش‌های آماری، روابط بین آن ارزش‌ها تحلیل می‌شود. این عمل به‌منظور توصیف محتوای ارتباطی‌ها، استخراج نتیجه درباره معنی آن یا پی‌بردن به بافت و زمینه ارتباط، هم در مرحله تولید و هم در مرحله مصرف صورت می‌گیرد. (محمدی‌مهر، ۱۳۸۷: ۲۵) نمادهای ارتباطی می‌توانند گفتاری شفاهی یا متنی مکتوب یا متن و گفتاری دیجیتال یا آنالوگ یا هر نوع نشانه‌ی ارتباطی دیگر باشند که در نظام ارتباطی تعریف شود.

تحلیل محتوای کمی دارای تکنیک‌های مختلفی است و آنچه در اینجا انجام می‌گیرد، تحلیل محتوای مقوله‌ای است که به شمارش اجزای پیام براساس تجزیه به مقولات (رده‌ها یا طبقات) می‌پردازد. (رفیع‌پور، ۱۳۸۲: ۱۱۲) انجام این تحلیل، نیازمند تدوین مواد لازم به شرح زیر است:

واحد تحلیل (unit of analysis) عبارت است از چیزی که درباره آن سؤال می‌شود (ساعی، ۱۳۸۸: ۲۴)، متن و محتوای بررسی شده را به عناصر مجزا و یکسان، تقسیم و شمارش‌پذیر (اندازه‌گیری) می‌سازد و آن را برای کمی‌شدن آماده می‌کند. (محمدی‌مهر، ۱۳۸۷: ۸۱) در این تحقیق، واحد تحلیل «ارجاع به منابع ادعیه» است.

مقوله عبارت است از فضایی که واحدها باید در آن طبقه‌بندی شوند. ارزش تحلیل محتوا بر پایه مقولات آن است؛ زیرا مواد اصلی تحقیق را تشکیل

می دهند. (بیابانگرد، ۱۳۸۷: ۱، ۳۱۶) مقولات این تحقیق، «دعا»، «استنباط عرفانی» و «استنباط اخلاقی» است. این مقولات با توجه به تعریف این مفاهیم در چارچوب نظری و نیز در مقدمه تحقیق، قابل تشخیص هستند.

جامعه و نمونه (در صورت نیاز): در این تحقیق، به علت تمام شماری، «نمونه» نخواهیم داشت و «جامعه» هم عبارت است از آموزه‌های مأثور استفاده شده در سراسر و جامع السعادات که بین آن‌ها شمارش انجام می‌گیرد تا میزان حضور ادعیه در این آموزه‌ها تحلیل شود. «متن مورد بررسی» در این نوشتار، کل این دو کتاب است.

تحلیل محتوا دارای نوعی برداشت انحرافی رایج است که تحلیل را برای تحلیل انجام می‌دهند؛ یعنی نوعی بی‌هدفی که برخی آن را «سندرم شمارش برای شمارش» نامیده‌اند (بیابانگرد، ۱۳۸۷: ۱، ۳۱۲) و اثر آن در تجزیه و تحلیل نتایج آشکار می‌شود. برای پرهیز از این سندرم، روش‌هایی وجود دارد:

گاه تعداد این پیام‌ها خود گویای مطلبی خاص هستند که در شرایط عادی جلب توجه نمی‌کنند؛ اما مخاطب را به‌طور نا(خود)آگاه تحت تأثیر قرار می‌دهند. گاهی نسبت تعداد این پیام‌ها با تعداد پیام‌های دیگر مقایسه می‌شود و از این طریق اطلاعاتی به دست می‌آید. (رفیع پور، ۱۳۸۲: ۱۱۲)

تحقیق حاضر از هر دو امتیاز ذکر شده برای تحلیل نتایج شمارشی خود بهره می‌برد.

روش تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از تحلیل محتوای این دو کتاب، توصیفی (Descriptive Analysis) است که به سه صورت کمی، کیفی و تطبیقی انجام خواهد گرفت. در تجزیه و تحلیل توصیفی (Descriptive Analysis)، نتایج

تحقیق در نمونه، به کمک آمار توصیفی خلاصه می‌شود. (واس، ۱۳۸۹: ۱۳۷)

بین روش‌های آمار توصیفی نیز در تحقیق تک‌متغیره با سطح سنجش اسمی [مانند تحقیق حاضر]، از توزیع فراوانی (frequency distribution) استفاده می‌شود. ساده‌ترین راه تبیین فراوانی از طریق جدولی ارائه می‌شود که سطرهای آن را حالات متغیرها و یک ستون آن فراوانی هر حالت متغیر و ستون دیگر هم درصد فراوانی آن حالت را تشکیل می‌دهد. (واس، ۱۳۸۹: ۱۴۰)

همچنین پس از تهیه و تنظیم جدول توزیع فراوانی، باید داده‌ها به کمک نمودار ارائه شده و با استفاده از سایر شاخص‌های آمار توصیفی خلاصه شوند. (دلاور، ۱۳۸۶: ۲۹۲)

بالاخره اینکه برای سطح سنجش اسمی، مناسب‌ترین شاخص توصیف عبارت است از تحلیل درصدی و تعیین پاسخ نماینده که «نما» خوانده می‌شود. نما، همان بیشترین فراوانی است. (واس، ۱۳۸۹: ۱۴۴ - ۱۴۰)

همچنین از آنجاکه:

تحلیل کمی بی‌نیاز از تحلیل کیفی نیست و محقق به منظور تکمیل تحلیل و دست‌یابی به بسندگی معنایی، نیازمند آن است که تحلیل کمی را با تحلیل کیفی همراه کند و بار معنایی یافته‌های کمی را روشن‌تر نماید. (ساعی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

نتایج تحلیل درصدی بررسی کیفی شده‌اند تا ارزش درصدها در پاسخ به سوال تحقیق مشخص شود. تحلیل کیفی عبارت است از کمک‌گرفتن از عقل و منطق جهت غور در مدارک علمی و انجام تحلیل‌ها و تعمیم‌های لازم جهت دست‌یافتن به پاسخ سوال. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۳۲ - ۲۳۳)

بنابراین، نتایج تحلیل کمی مذکور باید به صورت کیفی تحلیل شود.

در نهایت از روش تطبیقی برای دست یافتن به نتایج نهایی استفاده شده است. روش تطبیقی (Comparative) یعنی؛

بررسی به منظور دریافت وجود شباهت یا اختلاف بین دو پدیده. (اگرایی، ۱۳۸۲: ۱۰-۱۱) روش تطبیقی روشی است برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، نه روش تحقیق مستقل و نه روش جمع آوری اطلاعات. (اگرایی، ۱۳۸۲: ۲۴)

در مراحل سه گانه گردآوری داده‌ها (data collection)، داده آمایی (data processing) و تحلیل داده‌ها (data analysis) از نرم افزار Excel استفاده شده است.

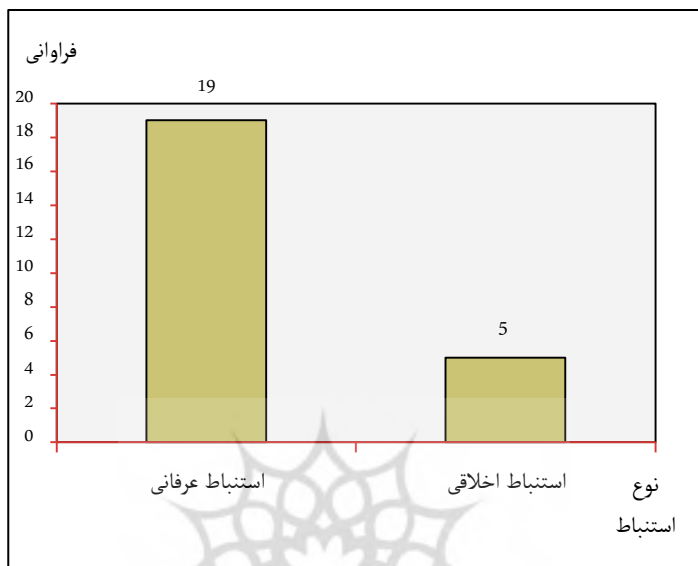
۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای آموزه‌های دینی موجود در کل جامع‌السعادات و سرالاسراء از نظر میزان استفاده از ادعیه، در تحلیلی توصیفی در قالب جدول شماره ۱ و ۲ و نمودار شماره ۱ و ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: میزان استفاده جامع‌السعادات از ادعیه در استنباط‌های عرفانی و اخلاقی

| ردیف | نوع استنباط | فراوانی | درصد |
|------|----------------|---------|--------|
| ۱ | استنباط عرفانی | ۱۹ | ۷۹/۱۶% |
| ۲ | استنباط اخلاقی | ۵ | ۲۰/۸۳% |
| | مجموع | ۲۴ | ۱۰۰% |

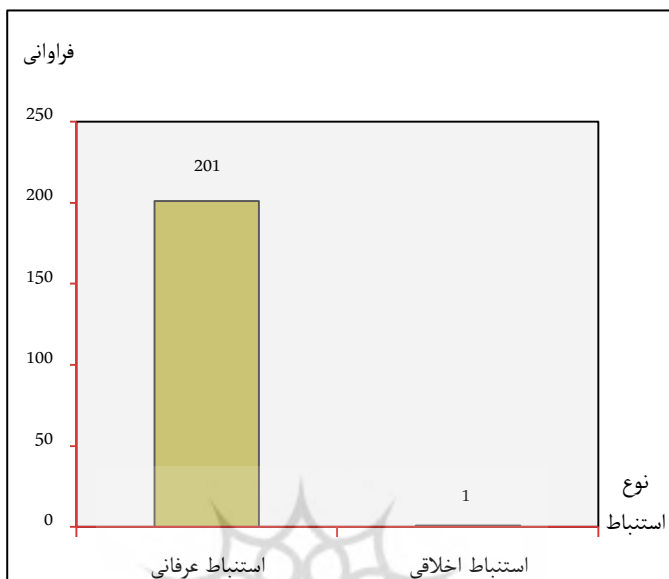
نمودار شماره ۱: میزان استفاده جامع‌السعادت از ادعیه در استنباط‌های عرفانی و اخلاقی



جدول شماره ۲: میزان استفاده سرالاسراء از ادعیه در استنباط‌های عرفانی و اخلاقی

| ردیف | نوع استنباط | فراوانی | درصد |
|-------|----------------|---------|-------|
| ۱ | استنباط عرفانی | ۲۰۱ | ۹۹/۵% |
| ۲ | استنباط اخلاقی | ۱ | ۰/۵% |
| مجموع | | ۲۰۲ | ۱۰۰% |

نمودار شماره ۲: میزان استفاده سرالاسراء از ادعیه در استنباط‌های عرفانی و اخلاقی



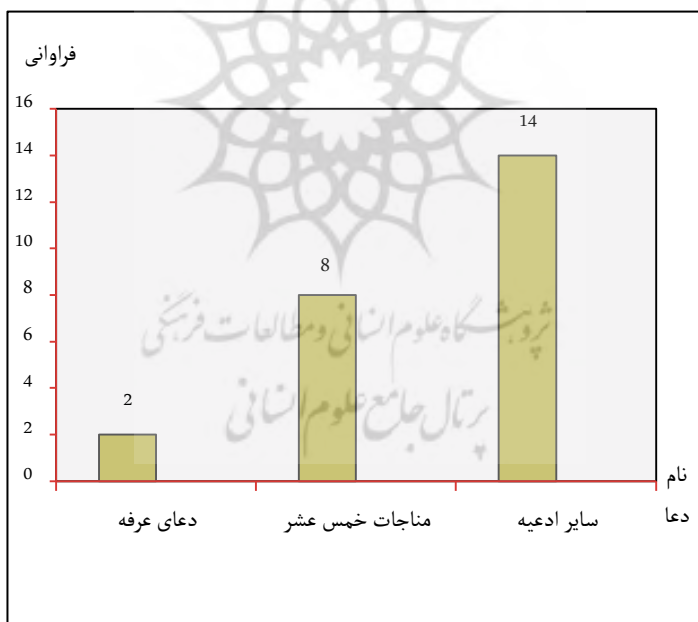
بر اساس این یافته‌ها، از ۲۴ فراز ادعیه که در کل جامع‌السعادات استفاده شده، ۱۹ فراز آن عرفانی و تنها در ۵ فراز آن، از استنباط‌های اخلاقی استفاده شده است؛ به این معنی که ۷۹/۱۶ درصد از استفاده این کتاب از ادعیه را استنباط‌های عرفانی تشکیل می‌دهند. همچنین از ۲۰۱ فراز از ادعیه که در سرالاسراء حضور دارند، در ۲۰۰ فراز از استنباط‌های عرفانی استفاده شده و تنها در ۱ فراز از این ادعیه، از آموزه‌های اخلاقی استفاده شده است؛ به این معنی که ۹۹/۵ درصد کارکرد ادعیه در رویکرد استنباطی سرالاسراء را مباحث عرفانی تشکیل می‌دهد.

ادعیه استفاده‌شده این دو منبع نیز افق تازه‌ای در شناخت منابع استنباط عرفانی ترسیم می‌کنند. فراوانی استفاده از ادعیه در دو منبع مذکور نیز در جداول شماره ۳ و ۴ و نمودارهای شماره ۳ و ۴ بیان شده است.

جدول شماره ۳: ادعیه استفاده شده در جامع السعادات در استنباطهای عرفانی

| ردیف | نام دعا | فراوانی | درصد |
|------|----------------|---------|--------|
| ۱ | دعای عرفه | ۲ | ۸/۳۳٪ |
| ۲ | مناجات خمس عشر | ۸ | ۳۳/۳۳٪ |
| ۳ | سایر ادعیه | ۱۴ | ۵۸/۳۳٪ |
| | مجموع | ۲۴ | ۹۹/۹۹٪ |

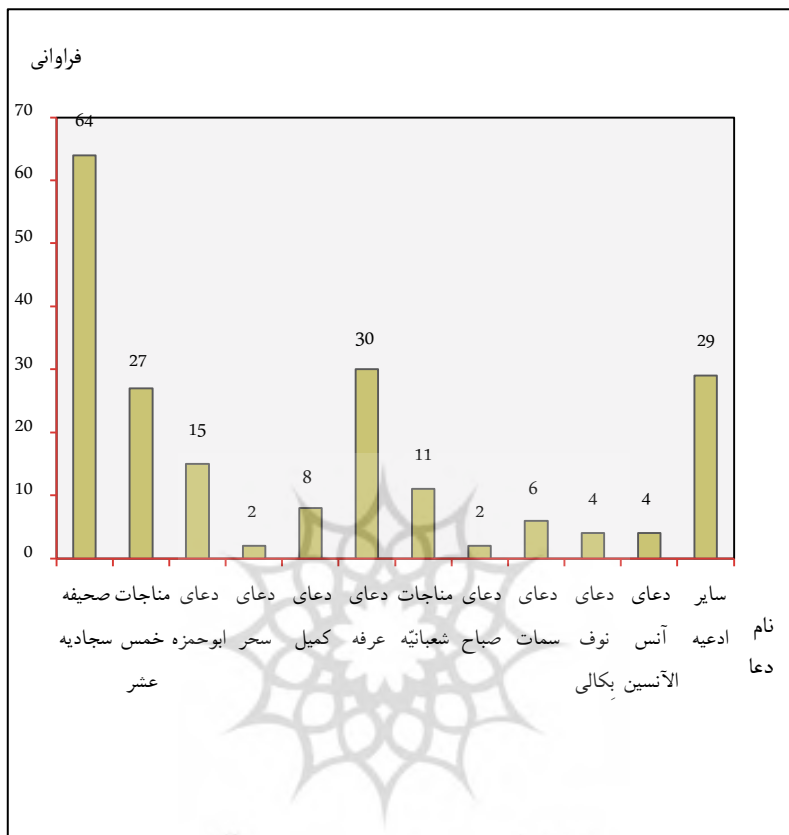
نمودار شماره ۳: ادعیه استفاده شده در جامع السعادات در استنباطهای عرفانی



جدول شماره ۴: ادعیه استفاده شده در سرالاسراء در استنباطهای عرفانی

| ردیف | نام دعا | فراوانی |
|------|--------------------------|---------|
| ۱ | ادعیه صحیفه مبارکه سجاده | ۶۴ |
| ۲ | مناجات خمس عشر | ۲۷ |
| ۳ | دعای ابو حمزه | ۱۵ |
| ۴ | دعای سحر | ۲ |
| ۵ | دعای کمیل | ۸ |
| ۶ | دعای عرفه | ۳۰ |
| ۷ | مناجات شعبانیه | ۱۱ |
| ۸ | دعای صباح | ۲ |
| ۹ | دعای سمات | ۶ |
| ۱۰ | دعای نوف بکالی | ۴ |
| ۱۱ | دعای آنس الاتسین | ۴ |
| ۱۲ | سایر ادعیه | ۲۹ |
| | مجموع | ۲۰۲ |

نمودار شماره ۴: ادعیه استفاده شده در سرالاسراء در استنباط‌های عرفانی



مقصود از سایر ادعیه، دعاهایی است که نه مانند دعای عرفه، شهرت به متن عرفانی بودن دارند و نه بیش از یک مورد در این منابع استفاده شده‌اند. جداول و نمودارهای شماره ۳ و ۴ نشان می‌دهند که هر دو منبع بر مناجات خمس عشر و دعای عرفه به‌عنوان منبع استنباط‌های عرفانی تأکید دارند. صحیفه سجادیه و دعای سحر و مناجات شعبانیه و ... که در سرالاسراء استفاده شده‌اند نیز از منبع بودن این ادعیه در عرفان اسلامی، بر اساس گسترش تحقیقات عرفان مأثور توسط مولف محترم، حکایت دارد.

۵. ارزیابی تحلیل کمی (روایی و پایایی)

اعتبار (Validity) به معنای عام کلمه، اطمینان به نتایج تحقیق است و براساس آن، نتایج تحقیقی معتبر است که تمام فرایندهای آن مطابق با معیارهای علمی باشد. (محمدی مهر، ۱۳۸۷: ۱۲۹) اعتبار یا روایی این بخش از تحقیق، از طریق اعتبار صوری تأمین شده است (Face Validity) که عبارت است از داوری اجتماع علمی درباره طرح، روش، تحلیل و نتایج تحقیق با توجه به شاخص علمی. (رایف، ۱۳۸۱: ۱۶۶) اعتبار صوری به این معنی است که داوران صالح و ماهر، صلاحیت تحقیق را تأیید کرده و اعلام کنند که یافته‌های تحقیق جزئی از دانش علمی است. (رایف، ۱۳۸۱: ۱۵۶) در بیشتر تحقیقات تحلیل محتوای توصیفی، اعتبار را با همین روش می‌سنجند. (بیابانگرد، ۱۳۸۸: ۱، ۳۳۰)

$$pi = \frac{\%OA - \%EA}{1 - \%EA}$$

OA = درصد توافق مشاهده شده

EA = درصد توافق مورد نظر

$$\text{درصد توافق مورد نظر} = \sum p_i^2$$

Pi = درصد نسبت‌های هر طبقه از یک متغیر

فرمول **pi** اسکات جهت محاسبه پایایی تحلیل محتوا

(تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، ص ۱۵۰ و ۱۵۱)

پایایی (reliability) را قابلیت اعتماد هم نامیده‌اند. این به این معنی است که اگر کدگذاران مختلف، یک دستورالعمل کدگذاری را درباره یک محتوا

به‌کار ببرند به یک نتیجه برسند. (رایف، ۱۳۸۱: ۵۹) ارزیابی پایایی این تحقیق از طریق آزمون آزمون مجدد (test – retest metod) که یکی از روش‌های بررسی پایایی است (واس، ۱۳۸۹: ۶۲) انجام می‌گیرد و ضریب پایایی با کمک فرمول پای اسکات (pi) محاسبه خواهد شد.

نمونه‌ای که برای انجام پایایی نیاز است، از طریق نمونه‌گیری تصادفی (random sampling) انتخاب می‌شود. علت انتخاب این روش این است که نمونه‌گیری تصادفی یکی از مطمئن‌ترین روش‌های نمونه‌گیری است (بی، ۱۳۸۵: ۳۹۸) که در آن همه اعضای تعریف‌شده برای انتخاب شدن شانس برابر دارند (دلاور، ۱۳۸۶: ۱۱۶) و نتایج این نمونه‌ها قابلیت تعمیم به کل جامعه مدنظر را دارد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۳) برای انتخاب افراد نمونه احتمالی ساده از جامعه نیز از روش منظم یا سیستماتیک (sistematic sampling) استفاده می‌شود که باعث می‌شود افراد نمونه به‌طور یکنواخت در سراسر جامعه پراکنده باشند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۳ - ۱۲۶)

درصد توافق دو کدگذار به این شرح است که در کل کدگذاری‌های دو کدگذار در این نمونه، هردو کدگذار هم در جامع‌السعادات و هم در سرالاسراء، در تمام کدگذاری‌ها توافق داشته‌اند. توافق موردانتظار در حدود ۸/۱ درصد است؛ بنابراین، ضریب پایایی در هر دو عبارت برابر ۱ خواهد بود و شاخص در ارزش ضریب پایایی آن است که از $+۰/۷$ کمتر نباشد، در غیر این صورت پژوهشگر برای تفسیر دستاوردهای خود و تکرار تحقیق با مشکل روبه‌رو خواهد بود. (رایف، ۱۳۸۱: ۱۵۱) از آن‌جاکه نتیجه محاسبه انجام‌شده، بیشتر از این میزان است، این تحقیق پایا است.

۶. نتیجه گیری

دستاوردهای این تحقیق براساس تحلیل کیفی تطبیقی یافته‌ها، عبارت‌اند از:

اولین و اساسی‌ترین قاعده‌ای که این تحقیق توانسته است به آن دست یابد، تثبیت جایگاه مغفول‌مانده ادعیه و تأکید بر اصل اهمیت ادعیه به‌عنوان بخشی از سنت در استنباط‌های عرفانی است؛ زیرا بسیاری از معارف الهی و عرفانی در ادعیه مندرج است. خصوصاً با وجود رواج نیافتن اطلاق سنت بر ادعیه به‌عنوان یکی از منابع استنباط در منابع استنباطی و در ایه‌الحدیث، این دستاورد می‌تواند درخور توجه باشد. البته کسی در صحت اطلاق «سنت» بر ادعیه شک ندارد؛ زیرا مصداقی برای «قول معصوم» است که در چارچوب نظری، آن را به‌عنوان تعریف سنت معرفی کردیم؛ اما ادعیه مأثوره، در مباحث رایج عرفانی و اخلاقی، دارای حضوری کم‌رنگ هستند. ارائه میزان کمی حضور ادعیه در دو کتاب جامع‌السعادات و سرالاسراء، متکفل اثبات این مسئله است؛ به‌این‌معنا که این دو کتاب (گرچه در سطوحی متفاوت که در بند بعد به این تفاوت خواهیم پرداخت) به ادعیه توجه داشته‌اند و در استنباط آموزه‌های عرفانی و اخلاقی از آنها بهره برده‌اند.

دستاورد دوم این تحقیق این است که توانسته فراوانی زیاد استفاده دو کتاب جامع‌السعادات و سرالاسراء از ادعیه در مباحث عرفانی نسبت به مباحث اخلاقی را اثبات کند؛ بنابراین، هر دو کتاب این‌انگاره را تداعی می‌کنند که ادعیه، منبعی غنی برای مباحث عرفانی است و نسبت این مباحث در ادعیه به مباحث اخلاقی بسیار زیادتر است.

دستاورد دیگر این تحقیق این است که توانسته با مقایسه میزان استفاده دو کتاب جامع‌السعادات و سرالاسراء از ادعیه، روند صعودی میزان استفاده سرالاسراء از ادعیه در مقایسه با جامع‌السعادات در استنباط عرفانی بر اساس ادعیه را اثبات کند. این صعود دارای سه معنا است:

۱. کتاب سرالاسراء در مقایسه با جامع‌السعادات، توجه فوق‌العاده زیادتری به ادعیه در استنباط مباحث عرفانی دارد؛

۲. کتاب سرالاسراء این قابلیت را دارد که به‌عنوان منبعی در ارائه کلیدها و کدهای لازم در تحقیق عرفانی براساس ادعیه ارزیابی شود و نوع استفاده‌های سرالاسراء در این زمینه در کانون توجه قرار گرفته، زمینه برای تحقیقات گسترده‌تر در آموزه‌های عرفانی استفاده‌شده از ادعیه در این کتاب هموار شود.

تعیین نام ادعیه‌ای که ظرفیت زیادی در تولید آموزه‌های عرفان مأثور دارند، دستاورد دیگر این تحقیق است. این تعیین نام، با مشخص کردن بسامد ادعیه استفاده‌شده در این دو کتاب به دست آمده است. در این میان حضور دعای عرفه امام حسین علیه السلام، مناجات خمس عشر، مناجات شعبانیه و دعای عرفه امام سجاد علیه السلام، به‌عنوان ادعیه شاخص درخور توجه هستند و استفاده از این ادعیه در مطالعات عرفان مأثور می‌تواند اصل و قاعده باشد. نفس حضور برخی ادعیه غیرمعروف مانند دعای نوف بکالی و دعای آنس‌الآنسین نیز گرچه در کمیت اندک است؛ اما به علت مشهور نبودن، حضورشان درخور توجه است.

ارائه عملی کاربرد استفاده از روش تحلیل محتوا در تحقیقات عرفانی در منابع عرفان اسلامی، ضمن رعایت کامل اجزای منطقی این روش، خصوصاً

ارزیابی (روایی و پایایی) دقیق نتایج و تحلیل کیفی داده‌های کمی و استفاده از تطبیق دو مجموعه داده‌ها (سرالاسراء و جامع‌السعادات) در راستای بررسی معناداری داده‌های کمی، آخرین دستاورد این تحقیق است. لازم به ذکر است که متأسفانه دو محور اخیر در بسیاری از تحقیقات تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی مغفول مانده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. ابن ترکه، صائن‌الدین علی، ۱۳۸۱، تمهید القواعد، اول، الف لام میم، قم.
۲. اعرابی سید محمد، ۱۳۸۲، تحقیق تطبیقی، چ دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۶، صحیفه امام، ج چهارم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴. آشتیانی، سید جلال‌الدین، ۱۳۷۰، مقدمه بر نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، چ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. بی، ارل، ۱۳۸۵، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، چ سوم، تهران: سمت.
۶. بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۸۷، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، چ دوم، تهران: نشر دوران.
۷. تهرانی، محمدحسین، ۱۴۱۷، مهر تابان، چ دوم، مشهد مقدس: علامه طباطبایی.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، تحریر تمهید القواعد، چ اول، تهران: الزهراء.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۶، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چ سیزدهم، تهران: سمت.
۱۰. خراسانی، محمدکاظم، ۱۴۰۹، کفایة الأصول، قم: مؤسسه آل‌البتین علیهم السلام.
۱۱. دلاور، علی، ۱۳۸۶، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، چ دوم، تهران: دانشگاه پیام نور.
۱۲. رایف، دانیل و همکاران، ۱۳۸۱، تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق)، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، چ اول، تهران: سروش.

۱۳. رفیع پور، فرامرز، ۱۳۸۲، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، چ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۴. ساعی، علی، ۱۳۸۷، روش تحقیق در علوم اجتماعی، چ دوم، تهران: سمت.
۱۵. ساعی، علی، ۱۳۸۸، درآمدی بر روش پژوهش اجتماعی، چ اول، تهران: آگاه.
۱۶. سبحانی، جعفر، ۱۴۲۶، اصول الحدیث و احکامه، چ چهارم، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۷. سعادت‌پرور، علی، ۱۳۸۵، سرالاسراء، چ اول، تهران: شرکت احیاء کتاب.
۱۸. شیخ انصاری، مرتضی، بی تا، فرائدالأصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. شیخ بهائی، محمدبن حسین عاملی، ۱۳۹۰، الوجیزة فی علم الدرایة، چ اول، قم: بصیرتی.
۲۰. شیخ طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۷، العدة، قم: چاپخانه ستاره.
۲۱. طوسی، نصیرالدین، بی تا، اخلاق ناصری، تهران: انتشارات علمیه.
۲۲. قمی، میرزا ابوالقاسم، ۱۳۷۸، قوانین الأصول، چ دوم، قم: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
۲۳. کامپنهود، لوک وان، کیوی، ریمون، ۱۳۸۹، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چ پنجم، تهران: توتیا.
۲۴. محمدی‌مهر، غلامرضا، ۱۳۸۷، روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)، اول، تهران: دانش نگار.
۲۵. خوبی، سیدابوالقاسم، ۱۴۱۷، مصباح الأصول، قم: کتابفروشی داوری.

۲۶. مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۷۶، *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*، چ هفتم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۷. نراقی، محمدمهدی، ۱۳۸۳، *جامع السعادات*، چ چهارم، قم: اسماعیلیان.
۲۸. واس، دی. ای، ۱۳۸۹، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ ناییبی، چ دوازدهم، تهران: نشر نی.





پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی